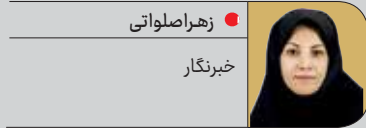


گفت‌وگو با رسول نقوی که اخیرا با سه سریال
حضور پررنگ در تلویزیون داشته است

از عقرب فرسنگ‌ها فاصله دارم



زهراصلواتی
خبرنگار

رسول نقوی در یک سال گذشته با سریال‌های سرزمین مادری، مستوران و مهیار عیار حضور پررنگ در تلویزیون داشته است. این هنرمند که در عرصه‌های مختلف هنری از جمله بازیگری، کارگردانی، نویسندگی و طراحی صحنه فعال است، در همین سه سریالی که از آنها نام برده شد، به نقش‌های متفاوت و جالبی جان بخشیده است، به‌ویژه در سریال‌های سرزمین مادری و مهیار عیار؛ اولی در نقش یک مبارز سیاسی پیش از انقلاب و دومی سردسته راهزنان عهد صفویه. نقوی از هر دوی این نقش‌ها به نیکی یاد کرده و ایفای آنها را جذاب و چالش‌برانگیز عنوان می‌کند. این بازیگر که علاقه ویژه‌ای به حضور در سریال‌های تاریخی دارد، تاکید می‌کند که بازی در این کارهای نمایشی مستلزم علاقه به تاریخ و داشتن سواد کافی و انجام پژوهش‌های لازم است.

و تمام احساس شخصیت باید در کلام، حرکات صورت و حالت چشمانش بروز پیدا کند. این موضوع برای خودتان به عنوان بازیگر نقش چقدر چالش‌برانگیز و جذاب بود؟

در واقع جواد نقص عضو پیدا می‌کند و معلولیت را تا آخر عمر با خود دارد. یکی از جذابیت‌های این نقش همین نکته بود. مبارزی که شور و هیجان و سرزندگی دارد ناگهان تمام اکتیو بودن از او گرفته می‌شود و تا آخر عمر ایستا می‌ماند. از سوی دیگر خانواده‌اش هم ترکش می‌کند که برایش مخرب است و یک باره انرژی صددردش به سکون مطلق تبدیل می‌شود که واقعا دشوار است. شاید یکی از دلایل اصرار آقای تبریزی برای این‌که نقش را تا آخر خودم بازی کنم درک احساس جواد بود، چرا که این کاراکتر را هم در اوج شور و هیجانش درک کرده بودم و هم در سکون و ایستایی‌اش. در سریال سرزمین مادری آن قدر جذاب و پردازش‌های قدرتمندی روی کاراکترهایش صورت گرفته بود که کاراکتر جواد قطره‌ای از این دریا به‌شمار می‌رود.

۴ نگاه‌تان به پایان کار جواد چیست؟

به نظر می‌رسد مرگ او ناشی از خستگی و درماندگی بود. پایان کار جواد در واقع حرکت انتحاری و خودکشی نبود، بلکه نارنجک به‌خاطر خرابی مواد منفجره در دستانش منفجر شد. در اصل او می‌خواست انتقام عباس را بگیرد و به همین خاطر هم دست به نارنجک شد. جواد خسته نشده بود و پای ایدئولوژی خودش هم ایستاده بود. اصولا انسان‌هایی مثل جواد قهرمان مبارزه هستند و در آزمون مردانگی و باورمندی نمره قبولی می‌گیرند.

۵ فکر نمی‌کنید اگر سریال سرزمین مادری ۱۰ سال پیش و در زمان مقرر روی آنتن می‌رفت، می‌توانست باعث رقم خوردن اتفاقات بهتری برای شما در بازیگری باشد؟

صددرد، ولی من خیلی به این چیزها فکر نمی‌کنم و اعتقاد دارم که همیشه حکمتی در کار است. مشهور شدن و دیده شدن برای من تعریف دیگری دارد و اگر دنبال این موضوعات بودم، زودتر می‌توانستم به آنها برسم. هر چیزی باید به وقت خودش اتفاق بیفتد و در روند فعالیت یک بازیگر علاوه بر خودش، مقوله‌های دیگری از جمله نگاه مخاطب هم تأثیرگذار است.

۶ شما علاوه بر بازیگری در حوزه‌های دیگر هنری از جمله نویسندگی، طراحی صحنه و کارگردانی هم فعال هستید. اولویت خودتان کدام است؟

من خودم را کارگردان و نویسنده و بازیگر نمی‌دانم و در مواردی که از آنها اسم بردید فقط قدم می‌زنم. شکسته‌نفسی هم نمی‌کنم، چرا که هرکدام از این موارد تعریف خاص خودش را دارد. مثلا ممکن است بگوییم فلانی معلم است اما هرکسی نمی‌تواند معلم باشد. این مثال را از این جهت زدم که خودم روزگاری معلم بودم. در بازیگری هم تشنه تکامل هستم و هرچند که تا به امروز هر نقشی را که پذیرفته‌ام با انتخاب خودم بوده و علاقه داشته‌ام آن نقش را بازی کنم اما هنوز آن نقشی را که خیلی دوست داشته باشم بازی نکرده‌ام.

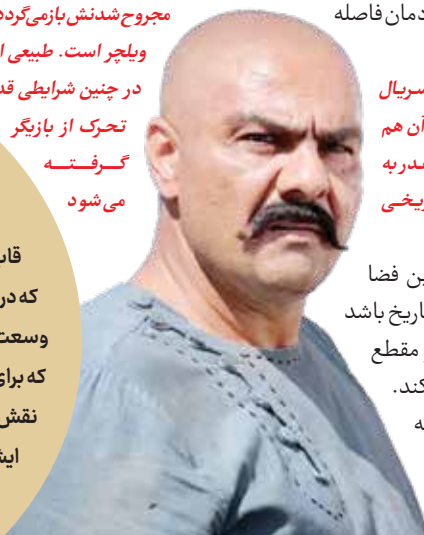
است که هرکسی نمی‌تواند به آن ورود کند. کار تاریخی ساختن نیاز به زحمت، دقت، آگاهی، فن و تکنیک زیادی دارد و به همین دلیل هم هر کسی در آن ورود نمی‌کند. طبیعی است که نه فقط من، که هر بازیگری از ایفای نقش در این سریال‌ها استقبال کند.

۷ یکی از بهترین و ماندگارترین کارهای شما تا به امروز ایفای نقش جواد در سریال سرزمین مادری است. جالب آن‌که اکثر دوستان رهی در فصل سوم عوض شدند ولی شما خودتان تا به آخر نقش جواد را بازی کردید.

آقای طالب زاده را یکی از نویسندگان بزرگ عرصه فیلمنامه‌نویسی سریال‌های تلویزیونی می‌دانم. بعد از سرزمین مادری هم توفیق همکاری کوتاه مدتی را با ایشان در سر پروژه چرخ فلک داشتم. یکی از دلایل خوب دیده شدن کاراکتر جواد در سریال فاخر و ماندگار سرزمین مادری به قلم خوب آقای طالب زاده مربوط می‌شود. دوستان دیگر به فاز سوم سریال نرسیدند و درگیر کارهای دیگر شدند اما آقای تبریزی لطف داشتند و خواستند که خودم تا آخر نقش جواد را بازی کنم. باز هم تاکید دارم که دیده شدن نقش در مرحله اول به قلم نویسنده و خلق درست کاراکتر و حضورش در قصه بازمی‌گردد.

۸ عمده بازی شما در نقش جواد به بعد از مجروح شدنش بازمی‌گردد که روی ویلچر است. طبیعی است که در چنین شرایطی قدرت تحرک از بازیگر گرفته می‌شود

در چنین شرایطی قدرت تحرک از بازیگر گرفته می‌شود



و عقبه نقش‌ها، به شکل ناخودآگاه سراغ شخصیت‌های اینچینی می‌رود. به شخصه همه تلاشم را به‌کار گرفتم تا نقش عقرب را از زیر لایه‌ها خارج کنم و کار اضافه‌ای هم انجام ندهم. هنگام خواندن فیلمنامه توجه می‌کردم که آیا می‌توان تفاوتی بین عقرب و کاراکترهای مشابه که در ذهن مخاطب است، پیدا کرد و روی این تفاوت‌ها مانور داد. در نهایت اما همه چیز به بازیگر مربوط نمی‌شود و بخش عمده کارها و زحمات بر دوش نویسنده است که به نظم وظیفه خود را درباره نقش عقرب به درستی انجام داده بود.

۹ در زمان پخش سریال مهیار عیار با واکنش و بازخوردی از سوی مردم هم مواجه شدید؟

گریمی که داشتم خیلی سنگین بود و کمتر کسی می‌توانست مرا بشناسد. البته باز هم مخاطبانی به شدت باهوش هستند که می‌توانند شما را شناسایی کنند. شخصیت خودم فرسنگ‌ها از عقرب فاصله داشت. وقتی آقای سیدحاتمی پیشنهاد این نقش را به من دادند خیلی‌ها مخالف بودند اما ایشان به من اعتماد داشتند. همیشه به این موضوع تاکید کرده‌ام که بازیگری شخصیت حقوقی ماست و خودمان شخصیت حقیقی‌مان. ممکن است نقشی را که بازی می‌کنیم از زمین تا آسمان با خودمان فاصله و تفاوت داشته باشد.

۱۰ پیش از مهیار عیار در سریال مستوران هم حضور داشتید که آن هم تم تاریخی داشت. اصولا چقدر به بازی در سریال‌های تاریخی علاقه‌مند هستید؟

هر بازیگری نمی‌تواند وارد این فضا بشود. یا باید کتابخوان و اهل تاریخ باشد یا به شکل کامل درباره دوره و مقطع تاریخی مورد نظر مطالعه کند. بعضی از سریال‌ها فقط جنبه سرگرمی دارند و اندیشه‌ای در آن لحاظ نشده اما ساخت سریال‌های تاریخی کاری

۱۱ اخیرا سریال مهیار عیار با بازی شما در حال پخش از شبکه سه سیما بود. در این سریال نقش عقرب را بازی می‌کردید که زمانی سردسته راهزنان بوده و بعد سروری در شهر. استفاده‌تان از ابزار صدا و میمیک صورت به نقش حساسی جان داده بود. برای خودتان شخصیت عقرب چه جذابیت‌هایی داشت؟

اساسا نقش‌های منفی جای مانور بسیار بالایی دارند، چرا که مخاطب با این نقش‌ها ارتباط راحت‌تر و سهل‌الوصول‌تری برقرار می‌کند اما نکته‌ای که در مورد نقش‌های منفی اهمیت دارد، نوع پردازش است. خوشبختانه نویسنده سریال مهیار عیار نقش‌های منفی از جمله عقرب را بسیار خوب پردازش کرده و خلأیی در خلق این کاراکتر باقی نگذاشته بود.

۱۲ معمولا نقش‌های اینچینی از جمله سردسته راهزنان در کارهای تاریخی وجه تیییکال به خود می‌گیرند و حتی ظاهرشان هم شبیه به هم می‌شود. مثلا سرهای شان تراشیده و سبیل‌های شان از بناگوش دررفته است، مانند کاراکتر اصلا در سریال پهلوانان نمی‌میرند. با توجه به این‌که عقرب نیز در ظاهر چنین خصوصیتی داشت، شما به عنوان بازیگر چه کردید تا این نقش به تیپ نزدیک نشود و وجه تکراری پیدا نکند؟

موضوعی که عنوان کردید صرفا به نقش‌های منفی محدود نمی‌شود، بلکه نقش‌های مثبت هم دچار این تیپ‌زدگی می‌شوند. اصولا هر کاراکتری که خلق می‌شود ممکن است به این موضوع دچار شود اما درباره نقش‌های منفی از آنجا که نمی‌توان به بطن وجودی این نقش‌ها نفوذ کرد، اساسا در لایه سطحی باقی می‌ماند و به گفته شما تیپ می‌شود. در اینجا است که به اعتقاد من نقش نویسنده برجسته می‌شود. به نظرم نویسنده سریال توانسته بود با تبحر و زیرکی، نقش عقرب را از سطح خارج کرده و رویکردی منطقی در مواجهه با کاراکترهای دیگر به آن ببخشد. همین موضوع و گریم چهره هم به شدت به من در ایفای نقش کمک کرد. معمولا بازیگر با توجه به نوستالژی ذهن

اساسا نقش‌های منفی جای مانور بسیار بالایی دارند

چرا که مخاطب با این نقش‌ها ارتباط راحت‌تر و سهل‌الوصول‌تری برقرار می‌کند اما نکته‌ای که در مورد نقش‌های منفی اهمیت دارد، نوع پردازش است

نقش‌های منفی اهمیت دارد، نوع پردازش است

نقش‌های منفی اهمیت دارد، نوع پردازش است

نقش‌های منفی اهمیت دارد، نوع پردازش است

نقش‌های منفی اهمیت دارد، نوع پردازش است

نقش‌های منفی اهمیت دارد، نوع پردازش است

نقش‌های منفی اهمیت دارد، نوع پردازش است

نقش‌های منفی اهمیت دارد، نوع پردازش است

نقش‌های منفی اهمیت دارد، نوع پردازش است

نقش‌های منفی اهمیت دارد، نوع پردازش است

نقش‌های منفی اهمیت دارد، نوع پردازش است

نقش‌های منفی اهمیت دارد، نوع پردازش است

نقش‌های منفی اهمیت دارد، نوع پردازش است

نقش‌های منفی اهمیت دارد، نوع پردازش است